در گفت‌وگو با «شهروند» مطرح شد

# روایت شاهدان از ۷ دقیقه جدال با سیلاب

عکس: سعید غلامحسینی/ شهروند

**شهروند|** سیل طوفان‌زده‌ای که روز یکشنبه سر زده و بدون پیش‌بینی، مردم و مسافران را در ۱۴ استان وحشت‌زده کرد، تمام شد. سیلی پر از حوادث جبران‌ناپذیر، ۱۶ کشته، ۸۴ مصدوم و خسارت‌های مالی سنگین تبعات سیلابی بودند که بعد از سیل ویرانگر گلستان در دهه ۸۰، اولین سیل پرخسارت و مرگبار دهه ۹۰ را به خود اختصاص داد.

### سیل سیجان بیشترین تلفات را داشت

یکشنبه، ساعت ۷ غروب، رعد و برق در ارتفاعات البرز شروع شد. باران شروع به باریدن کرد، آب جاری شد و سیلاب از ارتفاعات کوه‌ها و روستاهای بالادست سیجان به سمت رودخانه سرازیر شد. گردشگران اطراف آبشار روبار در جاده چالوس دور هم نشسته بودند. سیل هر چیزی را که سر راهش بود با خود می‌برد، تنه درخت‌های تنومند گردو، سنگ‌های بزرگ، خودروها و حتی آدم‌ها. چند دقیقه بیشتر طول نکشید که سیل از ارتفاع به پایین رسید، با شدت. قدرت آب‌های خروشانی که ارتفاعش از سطح رودخانه به ۱۰ متر رسیده بود فرصتی باقی نگذاشت؛ گردشگران و ساکنان روستای سیجان غافلگیر شدند و ناگهان طغیان رودخانه خیلی‌ها را با خود برد. این روایت یکی از ساکنان روستای خور، در استان البرز است. او به «شهروند» می‌گوید: «من ساکن روستای خور هستم، وقتی باران شروع به باریدن کرد ما بالای آبشار بودیم که ناگهان سیلاب به سمت ما آمد، ارتفاع آب کم بود و هنوز ویرانگر به نظر نمی‌رسید اما در یک چشم بر هم زدن از ارتفاعات کوه و اطراف آبشار به سمت رودخانه هجوم برد. همین موضوع کافی بود تا رودخانه طغیان کند و ارتفاع آب بالا بیاید. تعداد زیادی خودرو در اطراف رودخانه پارک شده بودند، مردم فرش پهن کرده بودند و در حال استراحت بودند که ناگهان سیل غافلگیرشان کرد، صدای هجوم آب آن‌قدر زیاد بود که صدای فریاد گرفتارشدگان به گوش نمی‌رسید. در یک لحظه اتفاق افتاد و سیل همراه با طغیان رودخانه هر چیزی را که بر سر راهش بود با خود برد. همان دقایق اولیه با کمک روستاییان خودمان را به پایین رودخانه رساندیم. حجم آب خیلی زیاد بود و نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم تا این‌که با اعلام این خبر نیروهای راهداری، هلال‌احمر و آتش‌نشانی هم به منطقه سیل‌زده اعزام شدند. پس از چند ساعت جست و جو جسد ۲ زن و یک کودک از میان گل و لای سیلاب‌ها بیرون کشیده شد، در بررسی‌های اولیه مشخص شد این قربانیان اهل روستای سیجان بودند. جست‌وجو برای پیدا کردن مفقودشدگان ادامه داشت، اما وسعت منطقه عملیات را با مشکل مواجه کرده بود. نیروهای هلال‌احمر با سگ‌های زنده‌یاب به جست و جوهایشان ادامه دادند تا این که روز سه‌شنبه نیز جسد ۳ نفر دیگر پیدا شد. باران و تگرگی که آمد اصلاً قابل پیش‌بینی نبود به‌طوری که، ارتفاع آب در هر ثانیه از رودخانه بالاتر می‌رفت. خیلی از روستاهای اطراف سیجان آسیب دیدند، زمین‌های کشاورزی مدفون شدند و تاسیسات زیربنایی آب و برق نیز آسیب دیدند تا جایی که ما ۲۴ ساعت برق نداشتیم و خط‌های تلفن قطع شده بود.»

ظهر روز سه‌شنبه محمدتقی ایرانی فرماندار کرج درباره آخرین جزییات از حادثه سیل روستای سیجان واقع در محور کرج – چالوس گفت: «جسد یکی از ۱۲ مفقود شده حادثه سیل در روستای سیجان کرج پیدا شد. یک نفر از مفقودان که کودک چهار ساله‌ای است در رودخانه در محدوده گرمدره پیدا شد. طبق آخرین آمار در این حادثه ۶ نفر کشته و ۱۲ نفر مفقود شده بودند. جست و جوی اجساد مفقودان همچنان در منطقه ادامه دارد.»

### گزارش میدانی از منطقه سیل‌زده کن سولقان

آمار می‌گوید ۸ نفر، مردم محلی می گویند ۵۰ نفر، نیروهای گشت راهداری می‌گویند بالای ۱۰ نفر و نیروهای امداد هلال‌احمر به این جمله بسنده می‌کنند که تلفات بیش از این‌هاست، اما تا به حال ۸ جسد پیدا شده است، یکی از آنان یک کارگر تبعه چین است که در پروژه آزادراه تهران- شمال کار می‌کرده است. یک تبعه افغانی و بقیه ایرانی بوده‌اند. کارگران آزادراه که حالا چند تن از همکارانشان را از دست داده‌اند، در حال جمع کردن چمدان‌ها و وسایلشان از داخل کانکس‌ها و گل و شل کارگاه هستند. نه می‌توانند انگلیسی صحبت کنند و نه ایرانی، فقط با دست نشان می‌دهند که ۸ نفر مفقود شده‌اند. خسارت زیادی به کارگاه و دستگاه‌ها وارد شده است. در زمان سیل، کارگران مشغول استراحت بودند که آب یکی از کانکس‌ها را با خود برده است. چند نفر موفق به فرار شده و شمار دیگری همراه با آب رفته‌اند.

از میدان کوهسار به سمت جاده امامزاده داوود، هر چه بالاتر می‌رویم آثار سیل بیشتر به چشم می‌آید. جاده پر از سنگریزه است و گله به گله، افرادی کنار جاده ایستاده و به رودخانه چشم دوخته‌اند. رودخانه‌ای که حالا سطح آب در آن پایین است و از رد آب روی سنگ‌ها معلوم است که روز یکشنبه، آب تا ۴ متر در بستر رودخانه بالا آمده است. مردمی که در یک روز تعطیل به پیک‌نیک آمده بودند، کسانی که توی آب در حال شنا بوده‌اند، مردم می‌گویند خیلی‌هایشان در آب غرق شدند و بیشترشان کسانی بودند که با خانواده و برای تفریح در کنار رودخانه مستقر شده بودند. شمار خودروهای بدون سرنشین در کنار جاده هم نشان می‌دهد که هنوز تا پیدا شدن تمامی اجساد و اعلام دقیق شمار تلفات، زمان زیادی نیاز است. مردی که روز قبل به همراه خانواده‌اش به پیک‌نیک آمده بود، دوباره به همان محل آمده و مشغول تماشای بقایای سیل است. وی می گوید: «همه چیز در چند ثانیه اتفاق افتاد. ما زمانی که رگبار شروع شد، بساطمان را جمع کردیم و سوار خودرو شدیم. اما خیلی‌ها هنوز نشسته بودند به گمان این که باران زود قطع می‌شود. کنار رودخانه پر از آدم بود. پر از خانواده‌ها و کودکانشان. می گوید که نمی‌داند بر سر آنها چه آمده است. توانسته‌اند خودشان را به این سمت رودخانه برسانند یا نه.»

جوان دیگری که کنار بقایای موتورش ایستاده، می‌گوید که ۵ کیلومتر بالاتر موتورش را زنجیر کرده بود و حالا آب آن را با خودش تا این‌جا آورده. منتظر است که بتواند باقی‌مانده موتور را به پایین جاده برساند. او آمار تلفات احتمالی را حدود ۵۰ نفر اعلام می‌کند و می گوید: «در اخبار گفته‌اند ۸ نفر. اما خیلی بیشتر از این حرف‌هاست.»

در روستای سیجان، جایی که بنابر اعلام مسئولان حدود ۸ نفر کشته داده است، سنگریزه‌ها نیمی از جاده را گرفته‌اند و یک پیکان سفیدرنگ زیر سنگ‌ها مانده، مردم می‌گویند که چنین چیزی در تمام عمرشان بی‌سابقه بوده است. مردی که خودرواش زیر سنگ‌ها مانده، خسارات مالی را بسیار سنگین توصیف می‌کند و برای نشان دادن گوشه‌ای از این بلای بزرگ، ما را به بستر رودخانه می‌برد. جایی که پاهایمان تا نیمه توی گل فرو می‌رود و به جای رودخانه و آب، تنها بستری از سنگ مشاهده می‌کنیم. توی رودخانه پر از سنگ‌های بزرگ و کوچکی است که آب از دل کوه با خود آورده است. می گوید که معلوم نیست چطور باید این سنگ‌ها را تخلیه کنیم تا دوباره آب در رودخانه جاری شود و بتوانیم به باغ‌هایمان آب برسانیم. باغ‌های همجوار با رودخانه آسیب زیادی دیده‌اند با این حال به گفته او، کسی از مردم محلی آسیبی ندیده و اکثریت تلفات متعلق به تهرانی‌ها بوده است.

خودروهای گشت راهداری، هلال‌احمر، اورژانس و نیروی انتظامی دایم در جاده در حال رفت و آمدند. نیروهای آتش‌نشانی، در گروه‌های ۴ و ۵ نفره، در طول مسیر رودخانه حرکت می‌کنند تا شاید بتوانند از شمار مفقودین کم کنند.

بوستان جوانمردان و انتهای رودخانه کن، جایی است که شمار دیگری از نیروهای اورژانس و هلال‌احمر مستقر شده‌اند. جرثقیل‌ها، مشغول کنار زدن گل و لای هستند و هر از چندگاهی جنازه‌ای از آب گرفته می‌شود. می‌گویند همه جنازه‌ها را همین جا از آب گرفته‌اند. در انتهای مسیر. پس از گذر کردن از مسیر رودخانه و سنگ و کلوخ‌های بزرگ، شماری از مردم بالاتر جمع شده‌اند و شاهد کار نیروهای امدادند.

### عملیات‌های امدادی ۵۶۰ امدادگر و نجاتگر

در میان آمارها و مشاهدات مختلف مسئولان و مردم، آنچه واضح است، خسارت مالی سنگین به روستاها و باغ‌های همجوار رودخانه و همچنین کارگاه‌های عمرانی در مسیر جاده است و این که شماری از مردمی که روز یکشنبه بی‌خبر از همه جا، به منطقه خوش آب و هوای سولقان رفته و کنار رودخانه بساط تفریح پهن کرده بودند، هرگز به خانه برنگشته‌اند.

ریزش تونل و آبگرفتگی در فیروزکوه، هراز و امامزاده داوود، تخریب ۲ پل در اثر طغیان رودخانه و وقوع سیل در منطقه بالای طالقان و مفقود شدن ۵۰ دستگاه خودرو در سیل محور کرج - چالوس محدوده آسارا از دیگر پیامدهای این حادثه تلخ بود که تنها محدود به استان تهران و البرز نبود بلکه منجر به ایجاد سیل و آبگرفتگی منازل و معابر در ۱۲ استان دیگر کشور از جمله خراسان شمالی، زنجان، سمنان، قزوین، کردستان، کرمان، مازندران، آذربایجان غربی، اصفهان، لرستان، مرکزی و چهارمحال و بختیاری در مجموع ۳۹ شهرستان و ۵۸ روستا هادچار حادثه شده‌اند. سرپرست معاونت عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر با اشاره به آسیب‌دیدگی شهرستان‌ها و روستاها از سیل و آبگرفتگی، اظهار داشت: بر این اساس خدمات امداد و نجات لازم به ۷ هزار و ۶۰۰ تن از سیل زدگان ارایه شد و ۶۴۰ تن نیز از خدمت اسکان و تغذیه اضطراری بهره‌مند شدند.

وی با اشاره به تلاش‌های امدادگران برای تخلیه آب از ۱۹۰ واحد مسکونی در استان‌های متاثر از سیل و آب گرفتگی، عنوان کرد: به این منظور ۱۳۰ تیم عملیاتی شامل ۵۶۰ امدادگر و نجاتگر با بکارگیری ۱۳۰ خودروی عملیاتی و ۷۰ دستگاه موتورپمپ خدمات لازم را به هموطنان ارایه کردند.

### مرگ ۷ نفر در طوفان پایتخت

در حالی که امدادگران در مناطق سیل‌زده مشغول پیدا کردن مفقودین هستند، رئیس مرکز تشخیصی و آزمایشگاهی پزشکی قانونی استان تهران از بستگان مفقودشدگان حادثه طوفان و سیلاب تهران خواست تا برای شناسایی اجساد به این مرکز واقع در کهریزک مراجعه کنند. ۷ مورد فوت در اثر طوفان روز یکشنبه تهران با دستور مقام قضایی و جهت تعیین هویت و علت فوت به مرکز تشخیصی و آزمایشگاهی استان ارجاع شد. به همین منظور علیرضا کدخدایی رئیس مرکز تشخیصی و آزمایشگاهی پزشکی قانونی استان تهران از بازماندگان خانواده‌های قربانیان خواست به منظور تسریع در شناسایی و تعویق نیفتادن تدفین اجساد با در دست داشتن نامه مراجع قضایی چه از دادسرا و چه از ضابطان قضایی در کلانتری‌ها به مرکز تشخیصی و آزمایشگاهی استان تهران در ساعات اداری مراجعه کنند.

در این میان آنچه در روزهای گذشته بیش از هر چیز صدای اعتراض مسئولان و مردم را بلند کرده است، عدم پیش‌بینی و اطلاع‌رسانی به موقع سازمان هواشناسی به مردم و سازمان‌های ذی‌ربط بوده است. در حالی که گفته می‌شود سایت بین‌المللی هواشناسی از ۱۰ روز قبل وقوع طوفان و سیلاب را پیش‌بینی کرده بود. اما سازمان هواشناسی مانند طوفان سال گذشته تهران، این بار هم هیچ هشداری مبنی بر احتمال وقوع طوفان و سیلاب نداده بود.

باد و باران شدیدی که می توانست با اعلام سازمان هواشناسی و برنامه‌ریزی به موقع مانع تردد خودروها از محورهای پر خطر و یا مانع اسکان مسافران در حریم بستر رودخانه شود و همین اقدام ساده می توانست به صورت چشمگیری از سهم سنگین تلفاتی که هنوز آمار نهایی آن گزارش نشده است، بکاهد شمار بالای تلفات و میزان خسارات برجا مانده در حالی است که بارندگی روز یکشنبه تنها ۷ دقیقه به طول انجامیده است، ۷ دقیقه‌ای که تا به حال بنابر آمار رسمی جان ۱۶ نفر را گرفته است.

---

## در دادگاه

### قصاص و زندان پایان قتل‌عام خانوادگی

**شهروند|** مرد جوانی که در اقدامی هولناک اعضای خانواده‌اش را به قتل رسانده بود، در دادگاه به قصاص و زندان محکوم شد.

۲۳ مهرسال ۹۲ بود که قتل‌عام خانوادگی در خیابان کمیل به ماموران کلانتری ۱۱۱ هفت‌چنار گزارش شد. مردی با کلانتری تماس گرفته بود و خبر قتل تمام اعضای خانواده‌اش را می‌داد. تیم جنایی بلافاصله در محل حاضر شدند و در همان حضور اولیه با جسد یک زن به نام زهرا ۴۶ ساله، یک دختر به نام پریسا ۲۵ ساله و یک پسر به نام محمدرضا ۱۵ ساله روبه‌رو شدند. آثار شکستگی در سر زهرا و محمدرضا و آثار خفگی دور گردن پریسا مشخص بود، که همه آنها به قتل رسیده‌اند.

مرد خانواده در اظهارات خود به ماموران گفت: من کارگر یک شرکت صنعتی هستم و چون شب کارم، اطلاعی در خصوص قتل آنها ندارم.

در ادامه رسیدگی با توجه به اظهارات ضد و نقیض مرد خانواده، کارآگاهان به محل کار وی رفتند و به تحقیق از همکاران او پرداختند. تجسس‌ها در محل کار این مرد نشان می‌داد که او علاقه بسیار شدیدی به مطالعه کتاب‌ها و مجله‌های پلیسی و جنایی دارد. همچنین در بازرسی از کمد وی، علاوه بر کشف تعدادی مجله و همچنین صفحه حوادث روزنامه‌ها، بیش از ۱۰ کتاب با موضوعات جنایی کشف شد.

در شرایطی که همه چیز بر علیه حمیدرضا بود او در نهایت به ارتکاب جنایت و قتل اعضای خانواده خود اعتراف کرد و گفت: از چند ماه پیش قصد داشتم همسرم را بکشم. او زن خوبی نبود برای همین نقشه قتلش را اجرا کردم و بعد از آن فرزندانم را هم کشتم. با اعترافات هولناک این مرد، پرونده وی پس از صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. این مرد صبح دیروز در مقابل سه قاضی جنایی قرار گرفت و در حالی که اصلا پشیمان نبود و خود را آماده قصاص دانست. در ابتدای این جلسه، مادر زهرا از دادگاه تقاضای قصاص کرد. بعد از آن متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: روز حادثه زنی به خانه ما آمد و فیلمی از همسرم نشان داد که در آن فیلم همسرم به من خیانت کرده بود. دیگر کنترل خودم را از دست دادم و دست به جنایت زدم. فرزندانم را هم برای این کشتم چون آنها از کارهای مادرشان خبر داشتند اما به من نگفته بودند. الان هم اصلا پشیمان نیستم و کاملا آماده اعدام هستم. او در مورد روز حادثه گفت: آن روز پس از درگیری که با همسرم داشتم، او قصد بیرون رفتن از خانه را داشت که بلافاصله به پشت‌بام رفتم و چوب دستی را که آن‌جا بود برداشتم و داخل خانه آمدم. چندین ضربه به سر همسرم وارد کردم که روی زمین افتاد. تصمیم گرفتم که بچه‌هایم را هم بکشم به همین دلیل، زمانی که محمدرضا به خانه آمد از من پرسید که چرا مادرش خوابیده و خواست که پتو را بردارد که با چوبدستی از پشت‌سر، چندین ضربه به سر او وارد کردم که او نیز روی زمین افتاد.

بعد از آن به پریسا زنگ زدم و از او خواستم تا سریع به خانه بیاید. وقتی آمد یک بند رشته‌ای را که از قبل آماده کرده بودم، به دور گردنش انداختم و او را خفه کردم. بعد از صحبت‌های این مرد هیات قضایی وارد شور شدند و متهم را به یک بار قصاص، پرداخت دو دیه و ۱۰ سال زندان محکوم کردند.

---

## مکث

در منطقه پاسداران رخ داد

### کشف ۴۵۰ کیلوگرم گوشت فاسد در یک قصابی

۴۵۰ کیلوگرم گوشت فاسد در یکی از گشت‌های مشترک تعزیرات تهران در یک قصابی منطقه پاسداران کشف و معدوم شد.

در یکی از گشت‌های مشترک با حضور کارشناس دامپزشکی از یک قصابی در محدوده پاسداران ۳۵۰ کیلوگرم گوشت قرمز، ۱۰۰ کیلوگرم گوشت مرغ و ۵۰ عدد مرغ فاسد و تاریخ مصرف گذشته کشف و در محل معدوم شد.

در همین راستا رئیس گشت‌های مشترک تعزیرات حکومتی گفت: بارها اعلام کرده‌ایم که با متخلفانی که تخلف آنها علیه سلامت مردم است با دقت و سرعت بیشتری برابر قانون برخورد می کنیم. امید شهرآبادی اظهار داشت: در مورد این تخلف نیز گوشت‌های کشف‌شده توسط کارشناس دامپزشکی در محل معدوم شد و با توجه به این که ارزش ریالی این تخلف بیش از ۳۰۰ هزار تومان بود، پرونده تخلف تشکیل و برابر قانون برای رسیدگی به هیأت رسیدگی به تخلفات در تعزیرات حکومتی ارجاع می‌شود.

---

## ذره بین

### بدل‌اندازان خودروهای تصادفی دستگیر شدند

**شهروند|** اعضای یک باند که با شگرد فروش‌های خودروهای تصادفی به نام خودروهای کم‌کارکرد و سالم میلیون‌ها تومان به جیب زده بودند، دستگیر شدند.

۱۱ اسفندماه سال گذشته مردی با مراجعه به کلانتری ۱۵۴ چیتگر اعلام کرد که از طریق آگهی فروش خودرو اقدام به خرید یک خودرو پژو پارس کرده است اما پس از خرید و پرداخت کامل پول متوجه تصادفی بودن خودرو شده است.

مالباخته پس از حضور در پایگاه پنجم پلیس آگاهی در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «از طریق آگهی روزنامه قصد خرید یک خودرو پژو پارس به مبلغ ۳۶ میلیون تومان را داشتم. پس از تماس اولیه، فروشنده جهت نشان دادن خودرو در منطقه خانی‌آباد نو قرار ملاقات گذاشت. روز بازدید خودرو چند نفر دیگر نیز در محل حضور داشتند که متقاضی خرید خودرو بودند؛ آنها به من پیشنهاد دادند که با گرفتن مبلغی پول خودم را از معامله کنار کشیده تا آنها بتوانند خودرو را خریداری کنند اما وقتی اصرار آنها را به خرید خودرو دیدم، با تنظیم یک قولنامه دستی، مبلغ ۱۸ میلیون تومان را به صورت نقد به فروشنده پرداخت کردم».

مالباخته در ادامه اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «در روز تنظیم قولنامه، قرار شد تا مابقی پول خودرو در محضرخانه و پس از انتقال اسناد مالکیت و تحویل خودرو پرداخت شود و در این مدت نیز ماشین در پارکینگ بماند. روزی که جهت انتقال اسناد مالکیت خودرو به همراه فروشنده به محضرخانه رفته بودیم، خانمی به‌عنوان مالک خودرو به نام خانم دکتر شریفی در محضرخانه حاضر شد و نسبت به تنظیم اوراق اسناد مالکیت خودرو و انتقال آنها به بنده اقدام کرد؛ پس از پرداخت پول به شخص خریدار اصلی خودرو، این شخص به بهانه این که قرارداد رسمی در محضرخانه تنظیم شده اقدام به گرفتن برگه قولنامه از من کرد و پس از آن قبض پارکینگ را تحویل داد تا بتوانم تا نسبت به خارج کردن خودرو از پارکینگ اقدام کنم. در زمان مراجعه به پارکینگ و به محض مشاهده خودرو متوجه شدم که خودروی داخل پارکینگ با خودروی اولیه که آن را روز اول بازدید کرده بودم کاملا متفاوت است. جهت اطمینان از موضوع، خودرو را نزد چند نفر کارشناس برده و تمامی آنها عنوان کردند که خودرو کاملا تصادفی و بازسازی شده است».

همزمان با آغاز رسیدگی به پرونده، تعداد دیگری از شکات و مالباختگان که دقیقا به همین شیوه و شگرد مورد کلاهبرداری قرار گرفته بودند، شناسایی و جهت انجام تحقیقات به پایگاه پنجم پلیس آگاهی دعوت شدند؛ تمامی شاکیان در اظهارات مشابه عنوان کردند که در زمان انتقال اسناد مالکیت خودروهای خریداری شده زنی به نام دکتر شریفی حضور داشته است.

کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی با مراجعه به دفاتر و محضرخانه‌هایی که مالباختگان در آنها نسبت به تنظیم قرارداد و تحویل خودرو اقدام کرده بودند، به بررسی اسناد و مدارک شناسایی ارایه شده از سوی خانم دکتر شریفی پرداخته و اطلاع پیدا کردند که هویت این زن جعلی است؛ در ادامه و با انجام اقدامات پلیسی، هویت واقعی خانم دکتر قلابی به نام مریم ۴۳ ساله شناسایی و کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که این خانم بلامکان است. وقتی «مریم» در منطقه پاسداران دستگیر شد به جرم خود اعتراف کرد و گفت: با دو نفر به نام‌های مجتبی (۲۷ ساله) و کمال (۵۰ ساله) اقدام به کلاهبرداری از مالباختگان و فروش خودروهای تصادفی تحت عنوان خودروهای سالم کردیم. با شناسایی هویت دو عضو دیگر گروه کلاهبرداری، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که این دو نفر در بخش آفتاب در زمینه خرید و فروش خودرو فعالیت دارند؛ نهایتا محل کار این دو نفر در پوشش یک مغازه خرید و فروش خودرو شناسایی و هر دو نفر آنها در تیرماه سال جاری دستگیر و به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند.

مجتبی و کمال، در اظهارات خود به خرید انواع خودروهای تصادفی، بازسازی کامل آنها و فروش خودروهای تصادفی تحت عنوان خودروهای سالم و فاقد هرگونه خسارت ناشی از تصادف اعتراف کردند.

با توجه به این که متهمان پرونده به فروش خودرو تصادفی با خسارت بالا از انواع خودروهای پژو، زانتیا و ال ۹۰ اعتراف کردند بازپرس پرونده از مالباختگان که به این شیوه و شگرد مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند، دعوت کرد تا جهت شناسایی دو متهم اصلی پرونده و پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند.

---

## ۲ ماه شکنجه نوجوان ۹ ساله سیستانی به دست مردان ناشناس

نوجوان ۹ ساله سیستانی پس از ۶۰ روز شکنجه در اسارتگاه گروگانگیران ناشناس، به کما رفت. پیکر نیمه‌جان این پسر نوجوان در حالی در خیابان رها شده بود، که گروگانگیران فرار کردند و تحت تعقیب پلیس قرار دارند. آنها وقتی موفق به اخاذی از خانواده پسر نوجوان نشدند او را شکنجه دادند و بدن نیمه‌جانش را در خیابانی در زابل رها کردند.

روز ۲۸ اردیبهشت امسال یعنی درست ۲ ماه پیش بود که مهدی ۹ ساله صبح زود از خواب بیدار شد. مادرش او را برای خرید صبحانه به مغازه فرستاد. ولی یک ساعتی گذشت و مهدی به خانه برنگشت. مادرش کم‌کم نگران شد و به دنبال مهدی گشت ولی اثری از او نیافت. او در نهایت با نگرانی با شوهرش تماس گرفت و موضوع را با او درمیان گذاشت. در حالی که همه به دنبال این پسر نوجوان می گشتند پس از گذشت چند ساعت پیامکی از یک خط ایرانسل، با این متن به پدر مهدی ارسال شد: «مهدی سالم و دست من است. اگر به کسی چیزی بگویید او را می کشم.»

پدر که شوکه شده بود موضوع را به نیروی انتظامی اطلاع داد. پس از این پیامک بود که تماس‌های آدم‌ربا آغاز شد. او هر روز با پدر مهدی تماس می گرفت و او را تهدید می کرد. روز اول این تماس‌ها با یک شماره ایرانسل و روزهای بعدی با شماره‌های مختلفی به پیش‌شماره کشور افغانستان بود و مرد آدم‌ربا درخواست پول زیاد برای آزادی مهدی می کرد. درنهایت وقتی پدر مهدی از بازگشت فرزندش ناامید شد حاضر به پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان شد، اما دیگر دیر شده بود. زمانی که افرادی آماده تحویل پول به گروگانگیران شدند، مهدی ۹ ساله بر اثر شکنجه‌های فراوان وضع وخیمی پیدا کرده بود. به همین دلیل گروگانگیران مهدی را به صورت برهنه در محله حسن‌آباد شهر زابل رها کردند و اهالی نیز با تماس با ۱۱۵ او را به بیمارستان انتقال دادند. خانواده این پسر نوجوان وقتی متوجه می‌شوند و به بیمارستان مراجعه می‌کنند، به دلیل شکنجه‌های زیاد به سختی فرزند خود را شناسایی می کنند. درنهایت او به دلیل جراحات وارده ناشی از خاموش کردن سیگار روی

بدنش و داغ کردن با سیم و ضربه‌هایی که به سرش وارد شده است در بخش آی سی یو بیمارستان امیر زابل بستری شد که از وضع بسیار نامطلوبی برخوردار است تا جایی که به گفته پدر این نوجوان پزشکان بیمارستان نیز از بازگشت او اظهار ناامیدی کرده‌اند.

پدر این نوجوان در این‌باره می گوید: «پیش از این نیز به دفتر فرماندار مراجعه کرده‌ام، اما حالا از فرماندار و ارگان‌های امنیتی درخواست دارم با توجه به شماره تلفن‌هایی که با ما در این رابطه تماس می گرفته‌اند یعنی یک شماره ایرانسل و ۴ شماره از افغانستان این موضوع را رسیدگی کنند تا مشخص شود که گروگانگیران چه کسانی بوده‌اند. پسر من که از بین رفته و دیگر امیدی به زنده بودنش ندارم، اما از همه خواهش می کنم در این مورد با ما همکاری کنند تا خون فرزندم پایمال نشود.»